

Levels of linking between Policymaking and Futures Research from Discourse to Teleology

Mohammad Rahim Eyvazi¹, Safiye Rezaei²

Received: 05-07-2024

Accepted: 24-09-2022

Abstract

One of the weaknesses of policy studies is the neglect of future-oriented approaches, in this regard, the importance of future research in the policy cycle has been emphasized in many studies and researches. All the studies around this issue confirm that if policy studies are done without relying on future-oriented approaches, consecutive gaps and deficiencies in the form of political approaches will become frequent. However, it has not yet been determined at what levels future research knowledge can be related to policy science and what areas should be considered for the connection of these two sciences. Therefore, the purpose of this article is to examine the levels of communication and link between policy making and future research as an interdisciplinary science, until it is determined to what extent and extent future research can make policy studies more productive. Therefore, an attempt has been made to answer the main question, what are the levels of policy and future research? In this regard, the qualitative method of documentary analysis has been used to advance the research, and to collect data, a phishing tool has been used from various sources. In this article, it is emphasized that future research knowledge should not be considered only as a tool and method in relation to policy making, but the literature and discourse governing future research should be accepted by policy makers.

Key words: policymaking, future studies, Policy cycle, tool, discourse.

1. Professor, Department of Futures Studies, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran danesh.mr@yahoo.com

2. Corresponding Author. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran safiye.rezaee@gmail.com

سطوح پیوند سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی؛ از گفتمان تا غایت‌نگاری

محمد رحیم عیوضی^۱، صفیه رضایی^۲

تاریخ پذیرش: 1401/07/02

تاریخ دریافت: 1401/04/14

چکیده

یکی از ضعف‌های مطالعات سیاست‌گذاری، غفلت از رویکردهای آینده‌نگرانه است که در این راستا بر اهمیت آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری در بسیاری از مطالعات و تحقیقات، تاکید شده است. تمامی کاوش‌ها، پیرامون این موضوع بر این مسئله صحنه می‌گذارند که اگر مطالعات سیاست‌گذاری بدون تکیه بر رویکردهای آینده‌نگرانه صورت گیرند، خلاءها و نقصان‌های متوالی بر شاکله رویکردهای سیاستی پرتکرار خواهند شد. از این‌رو هدف این نوشتار بررسی سطوح ارتباط و پیوند سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی به عنوان علمی بین‌رشته‌ای است تا جایی که مشخص شود که آینده‌پژوهی تا چه میزان و گستره‌ای می‌تواند مطالعات سیاست‌گذاری را پر بارتر کند. بنابراین سعی شده است که به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که سطوح پیوند سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی چیست؟ در این راستا برای پیشبرد پژوهش از روش کیفی تحلیل اسنادی و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش‌برداری از منابع مختلف بهره گرفته شده است. در این نوشتار تاکید شده است که نباید دانش آینده‌پژوهی را در ارتباط با سیاست‌گذاری تنها به عنوان ابزار و روش تلقی کرد، بلکه باید ادبیات و گفتمان حاکم بر آینده‌پژوهی از جانب سیاست‌گذاران پذیرفته شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی، چرخه سیاست‌گذاری، ابزار، گفتمان.

1. استاد گروه آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ra.eivazi@yahoo.com

2. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (علیهم السلام)، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) safiye.rezaee@gmail.com

مقدمه

امروزه سیاست‌گذاری به عنوان علمی عملیاتی و علم دولت در عمل پذیرفته شده است (ساباتیه، 1393: 17) علمی تأثیر پذیرفته از علوم دقیقه، تاریخ، اقتصاد و فناوری بر بستر علوم اجتماعی که در اواخر قرن بیستم به وجود آمده است. علمی که وجود بحران‌ها و شرایط مختلف، مختصات سیاسی و اجتماعی و مسائل پیرامونی گاه شاکله آن را تا آنجا تحت تأثیر قرار می‌دهد (قلی‌پور و فقیهی، 1393: 32) که ماهیت این عمل دچار نقصان می‌شود. گاه نیز خلاءها از جانب سیاست‌گذاران و گاه در چرخه سیاست‌گذاری رخ می‌دهد. این خلاءها تا جایی است که این علم بین‌رشته‌ای گاه در قامت عمل و در مراحل مختلف، دچار چالش و بروز تنگناهایی می‌شود که حکمرانان و سیاست‌گذاران را عاجز از پاسخگویی می‌کند.

البته با توجه به نوین بودن رویکردهای علوم بین‌رشته‌ای همچون سیاست‌گذاری این چالش‌ها به‌طور معمول طبیعی است، اما آنجا که سخن از مسائل نوظهور و پیچیدگی مسئله‌های ناشناخته می‌شود صحبت از اهمیت رویکردهای آینده‌نگر و بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی برای مهار چالش‌های حوزه سیاست‌گذاری بسیار مطرح می‌شود. در واقع دانش آینده‌پژوهی به عنوان علمی بین‌رشته‌ای و به تعبیری فرارشته‌ای با ظرفیت‌های محتوایی و روشی که دارد قابلیت کمک به سیاست‌گذاران در پیش‌بینی مسائل نوظهور و غلبه بر بحران‌های مختلف را دارا است.

در زمینه راه‌های پیوند و ارتباط بین دو علم بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای نیز در عرصه عمل تا کنون مطالعاتی صورت گرفته است؛ در نگاه کلی نیز این اعتقاد وجود دارد که می‌توان با همگرایی بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، ساده‌سازی مفاهیم پیونددهنده بین آنها و ایجاد ساختار محتوایی هم‌سان و قابل فهم زمینه تعمیق رویکردهای آینده‌نگرانه در روند سیاست‌گذاری را فراهم کرد. البته این مسئله زمانی پر اهمیت است که دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری هر دو به عنوان علمی بین‌رشته‌ای و گاه فرارشته‌ای، جدید و نوپا تلقی می‌شوند، از این رو باید بسترهای پیوند و تعمیق ارتباط بین این دو فراهم شود.

هر چند تا کنون بر این موضوعات به صورت کلی تأکید شده اما این نکته مورد پردازش قرار نگرفته است که سیاست‌گذاری در چه سطوحی باید با آینده‌پژوهی ارتباط داشته باشد یا در چه

سطوحی باید پیوند این دو علم بین‌رشته‌ای تعمیق شود. این مسئله زمانی پر اهمیت است که بدانیم نگرش تک‌بعدی به آینده‌پژوهی به عنوان تنها روش و ابزار، گاه از سطوح ارتباط بین سیاست‌گذاری و این علم می‌کاهد و همین تقلیل باعث می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها در ارتباط با رویکرد آینده‌نگرانه پیش نروند. از این‌رو در این نوشتار ضمن پردازش اهمیت این مسئله به این سؤال اصلی خواهیم پرداخت که سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در چه سطوحی قابل پیوند و ارتباط هستند و در چه صورت سیاست‌گذاری‌ها می‌توانند رویکرد آینده‌نگر را در خود همواره بادوام حفظ کنند.

چارچوب مفهومی و مفاهیم بنیادین

1. سیاست‌گذاری

علم سیاست‌گذاری پاسخی به نیازهای روزافزون جامعه و تلاشی است برای حل مشکلات و چالش‌های آن؛ در واقع زمانی که در جامعه، درهم‌تنیدگی مسائل و سؤال‌های بی‌پاسخ پیرامون آنها زیاد می‌شود، علم سیاست‌گذاری می‌تواند حل‌کننده موثری برای آن مسائل باشد. تا جایی که ظهور سیاست‌گذاری برخلاف علم سیاست به دلیل وجود این دیدگاه بوده است که مشکلات اجتماعی باید به صورت نظام‌مند بررسی شوند و مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرند. (Anthes, 2007: 10) البته در نگاه کلی، ظهور و نهادینه شدن این علم نیز به دلیل وجود فشارهای سیاسی و الزامات اجتماعی بوده است.

با این حال عنوان سیاست‌گذاری، اصطلاحی عام دانسته شده که علاوه بر دولت و بخش عمومی در مورد سازمان‌ها، نهادهای بخش خصوصی و حتی اشخاص حقیقی نیز قابل استناد است. در این راستا، مجموعه اقدامات هدفمندی که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در رویارویی با یک مشکل دنبال می‌شود را می‌توان سیاست‌گذاری تعریف کرد. به اعتقاد جانسون سیاست‌گذاری در دنیای کنونی به وسیله مراجع و مجموعه‌های مختلف انجام می‌شود. در واقع جانسون، بخش غیر رسمی، بخش دولتی، بخش خصوصی و همچنین بخش داوطلب را که فعالیت‌های افتخاری انجام می‌دهد در فرایند سیاست‌گذاری مهم و تعیین‌کننده دانسته است (Johnson, 1987:)

22) هر یک از این بخش‌ها نماد فعالیت‌های اجتماعی محسوب می‌شوند؛ بنابراین سیاست‌گذاری باید به نحوی انجام شود که تامین کننده نیازهای اجتماعی باشد.

به باور دیگر، سطوح رسمی و دولتی مدیریت کشوری نیازمند چارچوبی است که مدیران را در تحقق نیازها و تامین اهداف کمک کند. این چارچوب‌ها تحت عنوان سیاست‌گذاری نامیده می‌شود که امر، مهم و محوری در فرایند سیاسی تلقی می‌شود. در واقع سیاست‌گذاری یا policy یا making، خطی مشی، مرامنامه، اساسنامه و روش و رویه‌ای است که حکومت‌ها به صورت عملی به کار می‌بندند (تسلیمی، 1387: 1). به بیان دیگر اگر در نظر بگیریم که هر حکومتی برای شکل‌گیری و ادامه حیات، نیاز به فلسفه‌ای متشکل از عقاید و ارزش‌ها دارد، از طریق سیاست‌گذاری فلسفه حکومت، در عمل پیاده‌سازی می‌شود (James, 1987: 3) سیاست‌گذاری‌ها همچنین یکی از انواع بیانیه‌ها، برنامه‌ها یا تفاهم‌نامه‌های کلی هستند که اندیشه حکمرانان را در مسیر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هدایت می‌کند (کوتنر و دیگران، 1374: 777).

از نگاهی دیگر سیاست‌گذاری مجموعه ضوابطی است که در راه تامین مصالح عمومی اعمال می‌شود (هاشمی، 1388: 64) این وجه از تعریف سیاست‌گذاری به نوعی مدیریت سیاسی است (اقتداری، 1366: 82) از دیدگاه برور و دولثون نیز سیاست‌گذاری عمومی تنها حاصل تغییرات جزئی و تدریجی در یک رشته دانشگاهی نیست، بلکه زمینه‌ساز شرایطی است که می‌توان تغییرات آن را در جهت روش تحقیق و چشم‌انداز مشاهده کرد (Brewer, 1983: 6). همچنین براساس تعریف فیلیپ برو، سیاست‌گذاری عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل است. در این راستا خمیرمایه شکل‌گیری سیاست‌گذاری حل یک مسئله عمومی است (دانایی فرد و همکاران، 1394: 84).

در واقع سیاست‌گذاری فرایندی است که مسئله‌ای را در عرصه عمومی شناسایی و برای آن راه حل می‌دهد. از این نگاه، سیاست‌گذاری، شیوه مشخص شکل دادن به عمل تعریف می‌شود. در واقع تلاشی هدفمند و آگاهانه است تا تصادفی (اشتریان، 1386: 27). البته سیاست‌گذاری نه تنها به عنوان علم شناخته می‌شود که به عنوان فن و هنر نیز یاد شده است. از این جهت که سیاست‌گذاری و سیاست‌نگاری فعالیتی است که نیاز به خلاقیت و حتی ذوق نیز دارد. با این حال اگر سیاست‌گذاری را علم، فن یا هنر تلقی کنیم، تعریف فرایند سیاست‌گذاری در چهار مرحله طرح

مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست قابل توضیح است. البته در نگاه کلی چرخه سیاست‌گذاری به‌عنوان یک فرایند سیاسی خود یک رهیافت است که از آن به‌عنوان فرایند سیاست‌گذاری نیز یاد می‌کنند. این فرایند تحت عنوان هر نوع طرح و برنامه و راهکار اتخاذ شده، دیده می‌شود (کاظمی، 1379: 16) فرایندی ذهنی که خود در قالب رویکردهای مختلفی انجام پذیر است و لزوماً می‌تواند تحت عنوان سیاسی قلمداد نشود و در عرصه‌های کلان و خرد در سطوح داخلی و خارجی قابل تعمیم و تعریف باشد. با این حال آنچه تحت عنوان فرایند سیاست عملی و سیاست‌گذاری قابل تعریف است در قالب چرخه طرح مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست قابل رصد و بازبینی است.

2. آینده‌پژوهی

هر چند آینده‌پژوهی در روزگاران گذشته به صورت‌های گوناگونی وجود داشته اما رشد آینده‌پژوهی علمی از دهه 60 میلادی شکل گرفته است (عیوضی، 1388: 13)، تا جایی که نگارش کتاب «تصویر آینده» پولاک در سال 1950 و «هنر حدس زدن» وتل در سال 1964 را می‌توان زمانی برای رشد آینده‌پژوهی مدرن دانست (اسلاتر، 1385: 20). بدیهی است که رشد آینده‌پژوهی مدرن زمینه تعریف آن در قالب علمی را به منظور کاربست در حوزه‌های مختلف فراهم کرد. در راستای این جهت‌گیری علمی می‌توان آینده‌پژوهی را مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی و اسطوره‌های بنیادین دانست (عنایت‌الله، 1393: 7). در واقع آینده‌پژوهی کنشی است که هدف از آن ابداع، یا کشف سنجش ارزیابی و طرح آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است (Bell, 1997: 8). براساس این تعریف، آینده‌پژوهی، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی را شامل می‌شود. بنابراین آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل الگوها، منابع و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه می‌پردازد (بل، 2003: 43). به باور بل، آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده کمک کنند (عیوضی، 1395: 178).

در قالب این دیدگاه، آینده پژوهی علمی است که توانایی ایجاد یک چشم انداز جامع از آینده و استفاده از این چشم انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید را دارا است. این شکل بندی از آینده پژوهی با دیدگاه بن مارتین که میگوید: آینده پژوهی، فرایند تلاش نظام مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع است که با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی صورت می‌گیرد و بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند، نیز تطابق دارد (پدرام و عیوضی، 1395: 12). در تعریفی دیگر آینده پژوهی هنر طراحی آینده به گونه‌ای پیش‌دستانه و فعالانه است. در مجموع آینده پژوهی یک علم کاربردی و عملگرا است که از دو مؤلفه متمایز توصیفی و تجویزی و رویکرد هنجاری - اکتشافی تشکیل شده است. وجه توصیفی آن، بر گمانه‌زنی در خصوص روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه‌ای استوار است. وجه تجویزی آینده پژوهی در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که در آینده چه باید اتفاق بیفتد؟ این جنبه از آینده پژوهی، حاکی از تأثیرپذیری آن از «مسائل»، «ارزش‌ها»، «نیازهای مشخص» و «اراده‌ها» است که بر عنصر «تغییر» متمرکز است. پس آینده پژوهی به دنبال شناسایی، پیش بینی و تدبیر ساخت آینده مطلوب است. در این فرایند عنصر تغییر از مفاهیم راهبردی و از عمق معنایی بالایی برخوردار است. در کنار این تعاریف از آینده پژوهی، ریچارد اسلاتر معتقد است که به جای آینده پژوهی باید اندیشیدن به آینده را مورد نظر قرار داد. در نگاه وی آینده اندیشی مقدم به آینده پژوهی است (Slaughter, 2008: 16).

وندل بل نیز آینده اندیشی را زیر بنای آینده پژوهی می‌داند. البته قدمت آینده اندیشی بیشتر از آینده پژوهی است (بل، 1392: 221). به نظر می‌رسد که تأکید بر اندیشه و اندیشیدن در مطالعات آینده‌نگری از سوی صاحب نظران این حوزه ابعاد تفکر و اندیشه این علم را نسبت به خاصیت فنی و تکنیکی آن بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد.

3. مطالعات سیاست‌گذاری و دانش آینده پژوهی

از آنجایی که آینده پژوهی یک علم بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای است، در دانشگاه‌های معتبر تدریس می‌شود و دارای مبانی معرفتی و نظری دقیق و متدولوژی علمی است می‌تواند با تمامی

حوزه‌ها ارتباط برقرار کند؛ از این رو با علم سیاست‌گذاری نیز می‌تواند ارتباط موثر برقرار کند (عیوضی و نصرتی، 1394: 113). در واقع آینده‌پژوهی یک حوزه روبه‌رشد با سستی بلندمدت است که در بخش‌های مختلف علوم کاربرد دارد (بل، 1392: 221). به بیان دیگر، آینده‌پژوهی هم از جهت موضوعی هم‌روشی، پیرامون مسائل آینده، با سایر علوم ظرفیت برقراری ارتباط بالایی دارد و همین ویژگی موجب درهم‌تنیدگی آن با سایر علوم شده است.

البته ارتباط آینده‌پژوهی با سیاست‌گذاری تنها در روش‌شناسی و کاربرد ابزارها و روشها خلاصه نمی‌شود بلکه این علم یک فرایند مستمر و مداوم است که بدون باور به اندیشه و گفت‌وگو نمی‌توان از تمام مزایای آن بهره‌مند شد (پدرام و جلالیوند، 1392: 7). هرچند از دیدگاه فرارشته‌ای، آینده پژوهان آتی بیشتر به مطالعات اختصاصی برای حوزه علمی خاص یا سازمانی خاص می‌پردازند و تعمیم‌پذیری در آنها اندک است؛ با این حال این دیدگاه وجود دارد که گستره بهره‌گیری از مطالعات آینده‌پژوهی به موازات رشد آن در دوایر علمی نیز بیشتر خواهد شد. با این حساب نباید آینده‌پژوهی را تنها به روش‌ها و ابزارهای آن تقلیل داد.

در واقع تقلیل آینده‌پژوهی به روش‌ها باعث می‌شود که ارتباط موثر بین آن و دیگر علوم همچون سیاست‌گذاری برقرار نشود یا نتوان دورنمای علمی موثری برای آنها متصور شد. البته مالاسکا نیز تاکید می‌کند که آینده‌پژوهی یک حوزه دانشی است، با این تفاوت که قلمرو پژوهش آن از دانش‌های عادی گسترده‌تر است، زیرا هدف پژوهشی آن سبب سوق‌یافتن آینده‌پژوهی به دانش‌شناسی بی‌مانندی شده است که آن را از تمام اصول و روش‌های دانش‌های دیگر متمایز می‌کند (مالاسکا، 2003: 13). در واقع آینده‌پژوهی یک علم فرارشته‌ای است که وجود چنین ویژگی از دو جهت موجب درهم‌تنیدگی آن با سایر علوم شده است.

به عبارتی ویژگی‌هایی همچون: پردازش، اکتشاف، توصیف و تبیین و شناخت مسائل و پدیده‌های نوظهور باعث می‌شود که گستره آینده‌پژوهی تنها به یک حوزه مطالعاتی محدود نشود و کاربرت علوم دیگر مثل سیاست‌گذاری در بستر آن قوی‌تر صورت گیرد. البته از آنجایی نیز که به تعبیر بسیاری از آینده پژوهان، علم آینده‌پژوهی علم مطالعه تغییرات است و از آنجایی که حیات خود را از علوم اجتماعی در بستر علوم انسانی که عرصه تقابل است می‌گیرد طبیعتاً در ارتباط

علوم دیگر همچون سیاست‌گذاری نیز محل مجادله و بحث و کنکاش خواهد بود. اما از آنجا که چارچوب سیاست‌گذاری نیازمند لحاظ رویکردهای پیش‌تدبیری است آینده‌پژوهی، هم به لحاظ محتوای معرفتی و هم محتوای روشی و ابزاری می‌تواند خلاءهای سیاست‌گذاری را مرتفع سازد. این اعتقاد وجود دارد که تنوع و چندبعدی بودن پدیده‌های مورد مطالعه، محیط سیال و چندبازیگری عرصه سیاست‌گذاری ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری در ارتباط با آینده‌پژوهی از ظرفیت روش‌های ترکیبی استفاده کند؛ (کمالی، 1396: 736) چرا که محیط سیاست‌گذاری محیطی پیچیده، اتفاقی و پیش‌بینی‌ناپذیر است و چالش سیاست‌گذار این است که این محیط نااطمینان را ثبات دهد (مولر، 1383: 50). مطالعات سیاست‌گذاری درصدد پاسخ به این سؤالات است که چرا سیاست‌های عمومی را شکل می‌دهند، این سیاست‌ها چگونه اجرا می‌شوند و چه نتایج و اثراتی در پی دارند؟ به طور معمول نیز سیاست‌گذاری با وجود تعریف مدل‌های کاربردی، در چرخه صورت‌بندی مسئله، تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی قابل تعریف می‌شود.

بدیهی است که سیاست‌گذار زمانی با مسئله مواجه می‌شود که پدید آمده است. در واقع سیاست‌گذار دچار غافلگیری می‌شود. در نگاهی دیگر غافلگیری جزء ذات بینشی سیاست‌گذاری است و همواره چالش محسوب می‌شود. در حالی که اگر رویکرد آینده‌نگرانه در پیش‌بینی مسائل لحاظ شود امکان ارایه راهکارها بهینه‌تر خواهد شد. می‌توان گفت آینده‌نگری و مطالعات آینده‌پژوهانه به سیاست‌گذار قدرت عملگرایی بیشتری خواهد داد که در کنار رویکرد ذهن‌گرایی بتواند تجسس و تصمیم‌گیری و تصورات بهتر را از آینده داشته باشد. ضمن اینکه عمل‌گرایی توأم با هوشمندی در آینده‌پژوهی موجب مطلوبیت اثربخشی و موفقیت در آینده خواهد شد. پس ویژگی کنش‌گرایانه آینده‌پژوهی به لحاظ ماهیت این علم شرایط را به گونه‌ای در خواهد آورد تا سیاست‌گذاران با هوشمندی به استقبال آینده بروند و مانع از غافلگیری و از دست دادن فرصتهای آینده شوند (مالاسکا، 2003: 13).

سطوح ارتباط بین آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری

1. آینده‌پژوهی به مثابه گفتمان

در ارتباط بین دو آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری همواره بر ذکر کلیات اکتفا شده و کمتر در عرصه سیاستی و عمل، به زوایای ارتباطی بین آنها تاکید شده است. بدیهی است که عدم تقسیم‌بندی دایره ارتباطی و بسترهای زمینه‌ای باعث می‌شود که به خوبی عرصه سیاست‌گذاری از دانش آینده‌پژوهی بهره‌مند نشود ضمن اینکه این موضوع، همواره رویکرد ابزاری را در تلقی از آینده‌پژوهی تقویت می‌کند. این در حالی است که در عرصه سیاستی و برای بهره‌گیری سیاست‌گذاری و رفع خلأهای زمینه‌ای آن، تنها اتکا به روش‌ها و ابزارهای آینده‌پژوهی کافی نیست؛ بلکه سیاست‌گذاران باید ابتدا اندیشه و گفت‌وگو آینده‌نگری را در خود نهادینه کنند.

هرچند روش‌های آینده‌پژوهی و بروزرسانی آنها در قالب‌های خبرگانی، سناریونگاری و تحلیل‌های ساختاری و چند مرحله‌ای می‌تواند برای سیاست‌گذاران در پیدا کردن مسئله، حل مسئله و راه‌حل‌یابی، تدوین، اجرا و ارزیابی موثر باشد، با این حال سیاست‌گذاران باید آینده‌پژوهی و گفت‌وگو غالب بر آن را قبول و درک داشته باشند. در کلام روشن‌تر تا سیاست‌گذاران آینده‌پژوه نباشند یا آینده‌پژوهی نکنند نمی‌توانند سیاست‌گذاری مطلوبی در دنیای امروز داشته باشند.

با استناد به اینکه سیاست‌گذاری در دنیای حاضر پیرو نظریه آشوب، باید قابلیت هم‌سازی با روندهای پیچیده را داشته باشد و افق دید مکاتب متمایل به عقل‌گرایی مطلق و نسبی جوابگوی چارچوب‌های کنونی نیست، این نکته را نیز می‌توان بیان کرد که سیاست‌گذاری در عرصه نظم بی‌نظمی یا پراشوب خود دارای چالش‌هایی است که نه تنها مدل‌های تأثیر گرفته از آشوب نمی‌تواند راه‌گشا باشد که اساساً مدل‌سازی و روش‌سازی در بستر مکتب آشوب برای سیاست‌گذاران دشوار است؛ در بستر این رویکرد البته که نیاز به سنجش‌های مطمئنی احساس خواهد شد که این دوگانگی و عدم تعادل را حل کند.

بدیهی است که آینده‌پژوهی با داشتن بستری منعطف و با چارچوبی فرارشته و فراسرمشق می‌تواند افق دید و معنایی مناسب برای سیاست‌گذاران باشد. در واقع آینده‌پژوهی می‌تواند در عین اینکه ابزارها و فنون بکارگیری را در اختیار قرار دهد خود به عنوان معناساز نظام فکری سیاست‌گذاران باشد. این ادعا زمانی قابل دفاع است که بدانیم رابطه آینده‌نگری و مطالعات سیاست‌گذاری دوسویه نیز خواهد بود. بر این اساس آینده‌نگری و مطالعات سیاستی در یک خلاء

نظری صورت نمی‌گیرد بلکه همواره بر بنیاد نگرش‌ها و بنیان‌های نظری شکل می‌گیرند. این در حالی است که آینده‌پژوهی خود معرفتی است که توانایی انتخاب‌ها را افزایش می‌دهد به این صورت که به سیاست‌گذاران این مجال را می‌دهد که بدانند به کجاها می‌توانند بروند (آینده‌های اکتشافی) و از چه مسیرهای به سهولت به اهداف می‌توان برسند (آینده‌های هنجاری) (احمدی، 1394: 17).

به علاوه اینکه اگر سیاست‌گذاری به فرصت‌ها و تهدیدات امروزی می‌پردازد آینده‌پژوهی به فرصت‌ها و تهدیدات آینده می‌پردازد (همان: 23). بنابراین افق دیدی که آینده‌پژوهی در اختیار سیاست‌گذار می‌گذارد کمک می‌کند که برای امور غیر قابل پیش‌بینی آماده شود (بل، 1395: 38) همچنین ارتباط سیاست‌گذاران با مفاهیم معرفتی آینده‌پژوهی کمک می‌کند که تا از میزان غافلگیری آنها کاسته شود. در واقع داشتن افق دید آینده‌پژوهانه مبتنی بر بنیان‌های معرفتی دامنه دید سیاست‌گذاران را گسترش می‌دهد؛ چرا که تفکر سیاست‌گذاری، کوتاه مدت است و از این جهت آینده‌پژوهی با این رویه متعارض است (ملکی فر و همکاران، 1393: 7).

در مقابل افق دید، آینده‌پژوهی بلندمدت است و همین خاصیت می‌تواند مکمل‌ساز سیاست‌گذاری باشد. در واقع آینده‌پژوهی می‌تواند بستر روش‌سازی نیز باشد. روش و راهکاری که به واسطه ذات آینده‌پژوهی قدرت تغییر دارد. همین اصل تغییر می‌تواند خاصیت انعطاف و سیال‌گونه داشته باشد که البته خلاءهای تک‌سونگری و عدم همه‌جانبه‌نگری سیاست‌گذاری را مرتفع می‌سازد.

در رابطه با روش‌های متصور، اگر به باور کوهن، این روش‌ها را مجموعه گزاره‌هایی بنامیم که در یک دوره زمانی مشخص تعریف می‌شود، می‌توان باورهای حاکم بر هر روشی را در چهار پرسش هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم کرد که مرزهای هر روش را مشخص می‌کند (Voros, 2007: 6). سؤال هستی‌شناسی به ماهیت واقعیت می‌پردازد، سؤال معرفت‌شناسی ماهیت دانش را مورد توجه قرار می‌دهد، سؤال روش‌شناختی معطوف به این مسئله است که چگونه پژوهشگر آنچه باید بداند را باید کسب کند. سؤال ارزش‌شناختی نیز به این مسئله می‌پردازد که چه چیزی به صورت ذاتی ارزشمند است (فاتح‌راد و همکاران، 1392: 14). آنگاه می‌توان

مبانی روش‌های آینده‌پژوهی به باور لینستون را در دسته‌های تکنیکی، سازمانی و شخصی قابل تقسیم دانست یا در نگاه سهیل عنایت‌الله در چهار گروه پیش‌بینی‌کننده، تفسیری، انتقادی و کنش‌یادگیری یا در نگاه آمارا به سه گروه آینده‌های ممکن، مرجح یا محتمل یا در نگاه سردار در طبقه‌بندی استعماری و غیراستعماری یا در نگاه اسلاتر به پوپولیستی، سیستمها، انتقادی و یکپارچه یا در نگاه وندل بل به دسته اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی و واقع‌گرایی انتقادی دانست. در واقع می‌توانیم به نوعی تغییر روش در تحقیقات آینده‌پژوهی تمرکز کنیم.

در این راستا ورس یکی از کامل‌ترین گونه‌شناسی‌های روش و خط مشی را ارائه می‌دهد که شامل: پوزیتیویسم، پساپوزیتیویسم، نظریه انتقادی، برساخت‌گرایی و مشارکتی است (Voros, 2008: 192).

باید در نظر گرفت که آینده‌پژوهی حوزه‌ای پویا و متغیر است که با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای آن از مبانی فلسفی مختلفی استفاده می‌کند (معبودی و همکاران، 1399: 65). هر روش و خط مشی به سیاست‌گذاران در مراحل مختلف صورت‌بندی مسئله و تصمیم‌گیری کمک می‌کند. البته مشکل آنجاست که تنها فهرست کردن شماره‌وار این روش‌ها کمکی به معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی نمی‌کند؛ چرا که یکی از ادعاهایی که در حوزه سیاست‌گذاری مطرح می‌شود این است که آینده وجود ندارد یا نیامده است و از این‌رو بحث امکان‌ناپذیری روش‌ها یا معرفت‌شناسی مطرح می‌شود. هر چند به اعتقاد وروس، بدون در نظر گرفتن مبانی نظری و معرفت‌شناسی کاربرد روش‌شناسی‌های توسعه یافته مشکل است. با این حال افق فکری آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاری قابلیت ساخت، پیش‌بینی و قرارگیری روش و خط‌مشی‌ها را دارد.

به عبارتی نظام معنایی می‌تواند ایجاد یا پیش‌بینی کند که در بستر آن راه‌کارهای حل مسئله متناسبی پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار گیرد. بدیهی است که بحران‌های امروز به واسطه نوظهور بودن و تعجیل پیدایش، قدرت توالی چرخه سیاست‌گذاری را کاهش می‌دهد. از این‌رو سیاست‌گذاران برای مقابله و مدیریت مسائل نیازمند نظام معنایی ویژه بحران یا گفت‌وگو با آنها هستند (معبودی، 1399: 60).

2-2. آینده پژوهی به مثابه ابزار و روش

بسیاری از پژوهشگران به این مسئله باور دارند که ارتباط بین آینده پژوهی و سیاست گذاری نیاز به هیچ نظریه و اساس نظری یا نظام معنایی ندارد و تنها راهبردها و روندها یا تعیین سناریوها می تواند موثر باشد (فریدمن، 1382: 4). در واقع این نگاه سطوح ارتباط بین سیاست گذاری و آینده پژوهی را تنها به ابزارها و روش ها تقلیل می دهند و سطوح گفتمانی را نادیده می گیرند؛ البته پایین ترین سطح تحلیل در سیاست گذاری در حوزه ابزارها و روش ها است. با این حال حفظ همگرایی در سطح سیاست گذاری نیازمند ارتباط مناسب ابزارها با روش ها و همچنین روش ها با ارزش ها و ایده های سیاست گذاران است. ضمن اینکه تغییر ابزارها و روش ها به ضرورت معنی تغییر اهداف اصلی نمی دهد.

به این معنی که ممکن است گاه ابزارها به دلایل مختلفی کارایی خود را در دستیابی به اهداف از دست بدهند و از این رو سیاست گذار ابزار دیگری را جایگزین کند (ملک محمدی، 1394: 265)، در این زمینه روش های آینده پژوهی می تواند به تکمیل کاستی ها و نیازهای سیاست گذاری کمک کند. یکی از راه های بهره مندی از روش های آینده پژوهی در سیاست گذاری، تطابق روش ها با هر کدام از مراحل چرخه سیاست گذاری است. به عنوان نمونه، طبق تطبیق وروس می توان در مرحله ارزیابی مسئله از روش پایش و دلفی بهره گرفت. همچنین در مرحله تدوین گزینه های سیاستی می توان از روش تحلیل روند، تفکر سیستمی، تحلیل لایه ای، سناریوها، چشم اندازسازی پس نگر و نقشه راه استفاده کرد. هورتون نیز در مرحله طرح مسئله روش های پایش و پیمایش، سناریوها، تحلیل تاثیر متقابل در ارزیابی ها روش نقشه راه، سناریوها و چشم انداز را معرفی می کند.

اما ساریتاس در تناظر فرایند سیاست گذاری با روش های آینده پژوهی مجموعه کامل تری از بکارگیری روش ها را یادآوری کرده است. به گونه ای که در مرحله تشخیص مسئله روش های پایش و تجزیه و تحلیل و داده کاوی، در مرحله تدوین سیاست ها از سناریوسازی و چشم اندازسازی، در ارزیابی سیاست ها از روش دلفی و پس نگر و ارزیابی ریسک، در اجرای سیاست ها از تحلیل SWOT و برنامه ریزی استراتژیک و در ارزیابی سیاست ها از مصاحبه و بازبینی سیاست ها بهره گرفته است

(قرونه و همکاران، 1395: 119).

باید در نظر داشت که قالب سیاست‌گذاری در بستر هر مدلی که به کار گرفته شود نیازمند بررسی ناپیوستگی‌ها و عدم اطمینان‌هایی است که البته می‌تواند آینده‌پژوهی به عنوان یک علم مکمل سیاست‌گذاری این ناهمواری‌ها را در مورد موضوعات سیاستی گوشزد کند. با این حال نباید حل مسئله در عرصه سیاست‌گذاری تنها به چارچوب ابزارها و روش‌های آینده‌پژوهی منوط شود. در آن صورت نه تنها مسئله به خوبی صورت‌بندی نمی‌شود بلکه، سیاست‌گذاران به تدریج دید آینده‌نگر را از دست می‌دهند و مسائل کلان را در تکنیک و ابزار خلاصه می‌کنند که خود یکی از چالش‌های سیاست‌گذاران است.

3. آینده‌پژوهی به مثابه هدف

از آنجا که هنوز ارتباط قوی بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی وجود ندارد و هنوز موضوعاتی از جمله تعیین حدود عدم قطعیت‌ها، بررسی سیاست‌های موثر، تشخیص و دسته‌بندی آینده‌ها در روند سیاست‌گذاری مورد سؤال و پرسش است، این نکته نیز مورد پردازش قرار می‌گیرد که اولویت با تحقیقات آینده‌پژوهانه است یا سیاست‌گذاری‌های مقطعی؛ به بیان دیگر، صحیح است که تحقیقات در حوزه آینده می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های بهتری منجر شود، اما پیوند دادن این دانش به سیاست‌گذاری یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که محققان حوزه آینده یعنی آینده‌پژوهان با آن روبرو هستند.

همچنین این نکته نیز مورد تأکید است که هدف کلی مطالعات در حوزه آینده، کمک به سیاست‌گذاری به وسیله تشخیص زودهنگام و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ایجاد بینش و حمایت از توسعه است و هرچاکه سیاست‌گذاری مورد توجه است فعالیت‌های حوزه آینده‌پژوهی می‌تواند به طور مستقیم مورد استفاده قرار گیرد. البته با وجود چالش‌های ارتباط بین دو حوزه بین‌رشته‌ای به درستی مشخص نمی‌شود که اولویت با چه رویکردی است؛ سیاست‌گذاری‌های آینده‌پژوهانه یا آینده‌پژوهی سیاستی؟ در بررسی این موضوع چند نکته قابل پردازش است؛ نخست اینکه آینده‌پژوهی به عنوان ابزاری نوآورانه در سراسر جهان در حال گسترش است؛ تا جایی که در حوزه حکمرانی هم به عنوان ورودی موثر سیاست‌گذاری محسوب می‌شود همچنین به عنوان خروجی آن

قابل پردازش است.

بنابراین نه تنها به عنوان یک نظام معنایی تاثیرگذار می باشد بلکه مجموعه ای از فنون و روش های موثر را شامل می شود که در امر سیاست گذاری، کاربردی است. در واقع آینده پژوهی به بهبود روند سیاست گذاری کمک می کند. ضمن اینکه یک ابزار آمادگی برای تصمیم گیری است؛ علمی که در بستر علوم دیگر در حال تغییر است و می تواند همزمان محرک های تغییر را در راستای سیاست گذاری مطلوب شناسایی کند (حسنوی وهمکاران، 1392: 24). از نگاهی دیگر آینده پژوهی خود به عنوان پشتیبان سیاست گذاری محسوب می شود تا جایی که با تمرکز ویژه بر تغییرات، اهمیت دادن به بدیل ها و بازیگران و تقویت نگاه پایین به بالا، بستر مناسبی برای آگاه سازی سیاستی فراهم می کند (همان، همانجا).

ضمن اینکه دو مولفه «تغییر» و «زمان» در آینده پژوهی تا جایی برجسته است که تمام سؤالات سیاست گذاری پیرامون مسئله، پیدایی عدم قطعیت ها و دسته بندی آینده ها را می تواند پوشش دهد. پوشش دهی عنصر زمان در محدوده گذشته، حال و آینده خود گویای زمینه موثری برای دسته بندی زمانی است که بستر سیاست گذاری به آن نیاز دارد. آنچه که در مقوله «تغییر» در آینده پژوهی قابل بررسی است، طیفی از رویدادها و روندها است که در ظرف و ظرفیت زمانی می تواند برای ابزار سیاست گذارانه مفید باشد. بنابراین این سیاست گذاران هستند که با تقسیم افق ذهنی و عملکردی خود مسائل کلان و همیشگی، خرد و قابل پیش بینی و بحران گونه و نوظهور را باید دسته بندی کنند.

بدیهی است که آینده پژوهی می تواند ظرفیت شفاف سازی پدیده ها و ساده سازی مسائل را تا جایی فراهم کند که سیاست گذار قدرت مواجهه با مسائل را داشته باشد. بنابراین در نگاه کلی این آینده پژوهی است که می تواند مبنای عمل سیاستی باشد؛ از این رو می توان گفت که آینده پژوهی ابزاری برای ایجاد وفاق با رویکرد آینده محور برای تعیین سیاست ها، اولویتها و ساخت آینده مبتنی بر شرایط امروز و چشم انداز آینده است. در واقع رویکرد پیش فعالی در آینده پژوهی وجود دارد که می تواند تمام سؤالات سیاست گذاری را پوشش دهد. در اینجا می توان با لاسول هم نظر بود که پنج شاخصه شفاف سازی اهداف و ارزش ها، توصیف روندها، تبیین شرایط، تصویرسازی از آینده های

ممکن و محتمل و ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های بدیل سیاستی (بل، 1392: 119) را برای آینده‌پژوهی برشمرده است.

البته سیاست‌گذاری نیز در تحقق اهداف آینده‌پژوهی موثر است اما خدماتی که آینده‌پژوهی در قامت گفت‌وگو و نظام معرفتی و ابزارها و فنون عملکردی به سیاست‌گذاری می‌دهد جایگاه آن را موثر جلوه می‌دهد. در اینجا البته هنوز اختلاف بر سر تقدم تحقیقات آینده‌پژوهانه یا آینده‌پژوهی سیاستی وجود دارد. این اختلاف با تقویت رابطه این دو دانش برطرف خواهد شد؛ با این همه دایره نوآوری در عرصه آینده‌پژوهی و خاصیت تعاملی آن به نوعی این علم را به عنوان هدف و در مرزهای علوم قرار می‌دهد تا جایی که این علم به عنوان معیار هدف و غایت بررسی و کاوش معرفی می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی هر دو علومی بین‌رشته‌ای هستند که به دلیل عدم تعمیق کافی در فضای دانشگاهی با خلاءها و چالش‌هایی از نوع پذیرش در عرصه اجرا و حکمرانی مواجه هستند. این در حالی است که به دلیل خلاءها و نقصان‌های سیاست‌گذاری همواره بر اهمیت رویکرد آینده‌نگر و بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در این راستا تاکید می‌شود. این تاکید در حالی است که به درستی مشخص نیست که جامعه سیاست‌گذاران، آینده‌پژوهی را در چه سطحی مورد قبول یافته است؛ از این‌رو گاه آینده‌پژوهی تنها به عنوان روش و ابزار خوانده می‌شود و به مبانی و اندیشه‌های متصور در گستره آن بی‌توجهی می‌شود.

همین امر باعث می‌شود که نتیجه مورد قبولی از سیاست‌های عملی و سیاست‌گذاری‌ها عاید حکمرانان نشود؛ چرا که در دنیای امروز و با وجود مظاهر نوظهور و خاصیت آشوب‌ناکی، بی‌توجهی به مبانی آینده‌پژوهی نوعی ضرر برای حکمرانی‌ها محسوب خواهد شد. هر چند به صورت کلی همواره به اهمیت آینده‌پژوهی در عرصه سیاستی تاکید می‌شود اما تا به اکنون مشخص نشده است که زوایای پردازش و بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری چگونه است؛ به بیان دیگر در رابطه بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی به ابعاد ارتباطی این دو حوزه پرداخته نشده

است.

از این رو در نوشتار حاضر، این مسئله را مورد توجه قرار دادیم که سیاست‌گذاران به دانش آینده‌پژوهی در سه سطح گفتمان، ابزار و روش و هدف باید بنگرند. ضمن اینکه این سطوح باید در هم تنیده و همراه با هم دیده شود تا در نهایت، هم خلاءهای متصور بر سیاست‌گذاری مرتفع شود، هم رویکرد کامل آینده‌نگر بر بستر سیاست‌گذاری‌ها به وجود آید. به بیان دیگر اگر سیاست‌گذاران گفتمان آینده‌پژوهی و نگرش آینده‌نگر را در خود نهادینه نکنند و آینده‌پژوهان موثری نباشند تنها اکتفا به ابزار و روش نمی‌تواند سیاست‌نگاری‌های مطلوبی برای آنها به ارمغان آورد.

در نهایت نیز آینده‌پژوهی نمی‌تواند به رفع خلاءهای سیاست‌گذاری کمک کند. از این رو آینده‌نگری باید هدف سیاست‌نگاری‌هایی باشد که در پی مدیریت تحول و عناصر نوظهور هستند. به بیان دیگر آینده‌نگری باید هدف سیاست‌نگاری و سیاست‌گذاری‌هایی باشد که هدف آنها حل مسئله و حتی پیش‌بینی زنجیره مسائل است. در راستای پیوند سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در راستای سه سطح گفتمان، ابزار و روش و غایت‌نگری لازم است که فضای نخبگانی و دانشگاهی فعال‌تر عمل کند و تولید محتوای مرتبط با مباحث آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را سرعت بخشند. ارتباط دانشگاه‌ها و اتاق‌های فکر آینده‌نگری و سیاست‌گذاری و تاثیرگذاری بر حکمرانان نیز می‌تواند به تعمیق هر چه بیشتر سیاست‌گذاری با رویکرد آینده‌نگرانه کمک کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اقتداری، علی محمد، «سازمان و مدیریت»، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات مولوی، 1366.
- اشتریان، کیومرث، «سیاست‌گذاری عمومی ایران»، بنیاد حقوقی میزان، تهران، 1386.
- اسلاتر، ریچارد.ای، «دانش واژه آینده‌پژوهی»، ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی، علوم و فناوری دفاعی، چاپ اول، 1386.
- احمدی، علیرضا، ثقفی، فاطمه، فتحیان، محمد، (1380)، «ارائه متدولوژی تحلیل روند برای شکل‌گیری استراتژی و آینده‌نگاری»، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت فردا، شماره 19، سال پنجم.
- پدرام، عبدالرحیم، جلالی‌وند، عباس، «مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی»، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران، 1392.
- تسلیمی، محمد سعید، «تحلیل فرایند خط‌مشی‌گذاری»، تهران: سمت، 1378.
- حسنوی، رضا و همکاران (1392)، «طراحی مدل تاثیر آینده‌نگاری بر سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری»، سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره یک.
- دانایی‌فرد، حسن، حیدری، محمدمهدی، عادل آذر و رحمت‌الله قلی‌پور (1394)، «فهم خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران، پژوهشی بر مبنای نظریه داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال نهم. شماره یک.
- ساباتیته. پی. ای، «نیاز به نظریه‌های بهتر در فرایند خط‌مشی عمومی»، ترجمه دانایی‌فرد، تهران: صفار، 1393.
- عیوضی، محمدرحیم (1395)، «آینده‌پژوهی سیاسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره 79.
- عیوضی، محمدرحیم، نصرتی، علی‌رضا (1394)، «بررسی نقش آینده‌نگاری راهبردی در مسئولیت اجتماعی»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال 12، شماره 45.
- عرب بافرانی، محمدرضا، عیوضی، محمدرحیم (1400)، «مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی‌های

- روش در آینده پژوهی»، نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی، سال 2، شماره یک.
- عیوضی، محمدرحیم (1395)، «آینده پژوهی سیاسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره 79.
 - عیوضی، محمدرحیم، نصرتی، علی رضا (1394)، «بررسی نقش آینده نگاری راهبردی در مسئولیت اجتماعی»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال 12، شماره 45.
 - فاتحراد و همکاران (1392)، «مختصات روش شناختی فرارشته آینده پژوهی به مثابه یک پارادایم یکپارچه»، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره یک، پیاپی 21.
 - فریدمن، لارنس، «آینده مطالعات استراتژیک در استراتژی جهان معاصر»، ترجمه کابک خیبری، تهران: ابرار معاصر، 1382.
 - قلی‌پور، رحمت‌اله، فقیهی، مهدی، «سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی»، انتشارات مهکامه، تهران، 1393.
 - قرونه، حسن و همکاران (1395)، «طبقه‌بندی ابزارهای پیش ارزیابی سیاست با رویکرد آینده پژوهی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره 2، شماره 2.
 - کمالی، یحیی (1396)، «روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست، دوره 47، شماره 3.
 - کوئنز، هارولد و دیگران، «اصول مدیریت»، ترجمه محمدعلی طوسی و دیگران، تهران، سازمان مدیریت دولتی، 1374.
 - مولر، پیر، «سیاست‌گذاری عمومی»، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر، 1378.
 - معبودی، محمدتقی (1399)، «تبارشناسی مفهوم و مبانی پارادایمی آینده پژوهی»، چشم‌انداز شهرهای آینده، دوره اول شماره چهارم، پیاپی 4.
 - ملکی‌فر، سیاوش و همکاران (1397)، «شناسایی و تحلیل رویکردهای مطلوب در صنایع فرهنگی کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره 8، شماره 26.
 - ملک‌محمدی، حمیدرضا، «مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی»، انتشارات سمت، تهران: 1394.
 - هاشمی، سید محمد، «مدیریت سیاسی»، تهران: انتشارات ریاست جمهوری، 1366.

ب. منابع انگلیسی

- Anthes, Catherine (2007). "An Exploratory Study of How Policy Research is Used in the Policy Process by Policymaker Staff and Public Administrators", Ph. D. diss., University of Colorado at Denver and Health Science Center.
- Ayatullah s. The Causal Layered Analysis (CLA), Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology". 2004.
- Bell, W. (2011), Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society, London and New Brunswick: Transaction Publishers.
- Johnson, N. (1987), The Welfare State in Transition: the Theory and Practice of Welfare Pluralism, Brighton: Wheal sheaf.
- James, Simon (1997) 'British Government Reader in Policy Making, Rutledge.
- Sabatier, Paul (1991). Towards Better Theories of the Policy Process, Political Science and Politics June.
- Slaughter, R. A. (1996). The knowledge base of futures studies as an evolving process. Futures, 28(9).
- Malaska, Pentti, Futures and Penetration to the Futures, Acta Futura Fennica, Helsinki, 2003.
- Voros, j (2005). A generalized layered methodology , frame work, foresight, 7:2 , 28-40.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

